

بررسی ضرب‌المثل در زبان فارسی از دیدگاه کنش‌های گفتاری سرل

شهلا حمید محمد، شهلا^۱، یوسف شریف سعید^۲

۱. استادیار دانشگاه پلی تکنیک اربیل، دانشگاه تکنیکی شقلاوه، عراق

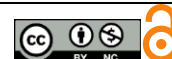
۲. استاد دانشگاه زیان، دانشگاه صلاح‌الدین، اربیل، عراق

* ایمیل نویسنده مسئول: Yousif.saeed@su.edu.krd

چکیده

ضرب‌المثل‌ها به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از میراث فرهنگی و زبانی هر جامعه، نقش بسزایی در انتقال دانش، ارزش‌ها و هنجارها ایفا می‌کنند. با وجود اهمیت این ساختارهای زبانی، پژوهش‌های محدودی به تحلیل جامع کارکردهای گفتاری آن‌ها، به‌ویژه بر اساس چارچوب نظری کنش‌های گفتاری جان سرل، در زبان فارسی پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، تحلیل و طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) در مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی و شناسایی فراوانی و توزیع آن‌ها بود تا درک عمیق‌تری از ماهیت ارتباطی و کارکردهای غالب ضرب‌المثل‌ها در این زبان حاصل شود. این مطالعه از نوع کیفی- کمی بوده و با رویکرد تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را ضرب‌المثل‌های فارسی تشکیل می‌دهند و یک نمونه هدفمند شامل ۳۰۰ ضرب‌المثل از منابع معتبر (از جمله امثال و حکم دهخدا و فرهنگ دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی شکورزاده) انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها پس از فیش‌برداری، بر اساس تعاریف پنج‌گانه کنش‌های گفتاری سرل، به دقت طبقه‌بندی و کدگذاری شدند. سپس، فراوانی مطلق و درصدی هر دسته محاسبه گردید. علاوه بر تحلیل کمی، تحلیل کیفی نمونه‌های منتخب نیز برای تبیین عمیق‌تر هر کنش انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که در میان ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی بررسی شده، کنش‌های اظهاری (۲۰۰ مورد، ۶۶/۶۷٪) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند که عمدتاً به بیان حقایق و توصیف واقعیت‌ها می‌پردازند. پس از آن، کنش‌های ترغیبی (۶۶ مورد، ۲۲٪) قرار گرفتند که نقش کلیدی در نصیحت، هشدار و جهت‌دهی به رفتار مخاطب دارند. کنش‌های عاطفی (۲۹ مورد، ۹/۶۷٪) نیز به ابراز حالت‌های روانی و احساسات گوینده اختصاص داشتند. در مقابل، کنش‌های تعهدی (۵ مورد، ۱/۶۷٪) فراوانی بسیار پایینی داشتند که بیشتر به اصول اخلاقی مربوط به عهد و پیمان اشاره می‌کنند تا ایجاد تعهد مستقیم. هیچ‌گونه کنش اعلامی (۰ مورد، ۰٪) در میان ضرب‌المثل‌های فارسی شناسایی نشد، که این امر به دلیل ماهیت عمومی و فقدان قدرت نهادی ضرب‌المثل‌ها است. این مطالعه نشان می‌دهد که ضرب‌المثل‌های فارسی عمدتاً در خدمت کارکردهای توصیفی (اظهاری) و هدایت‌گر (ترغیبی) هستند و در مقایسه، کمتر برای ابراز مستقیم احساسات یا ایجاد تعهدات فردی به کار می‌روند و فاقد قابلیت‌های تغییردهنده واقعیت (اعلامی) هستند.

کلیدواژه‌گان: ضرب‌المثل فارسی، کنش گفتاری، نظریه سرل، تحلیل محتوا، زبان‌شناسی کاربردی.



شیوه استناددهی: حمید محمد، شهلا، و شریف سعید، یوسف. (۱۴۰۵). بررسی ضرب‌المثل در زبان فارسی از دیدگاه کنش‌های گفتاری سرل. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۲)، ۲۴-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۳ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

An Examination of Proverbs in the Persian Language from the Perspective of Searle's Speech Act Theory

Shahla Hamed Mohammad¹, Yousif Sharif Saeed^{2*}

1. Assistant Professor, Erbil Polytechnic University, Shaqlawah Technical College, Iraq

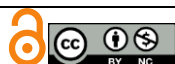
2. Professor, Zheen International University, Salahaddin University-Erbil, Erbil, Iraq

*Corresponding Author's Email: Yousif.saeed@su.edu.krd

Abstract

Proverbs, as an inseparable part of the cultural and linguistic heritage of every society, play a significant role in the transmission of knowledge, values, and norms. Despite the importance of these linguistic structures, relatively few studies have undertaken a comprehensive analysis of their speech-act functions, particularly within the theoretical framework of John Searle's speech act theory, in the Persian language. The aim of this study was to analyze and classify speech acts (assertive, directive, commissive, expressive, and declarative) in a corpus of Persian proverbs and to identify their frequency and distribution in order to achieve a deeper understanding of the communicative nature and dominant functions of proverbs in this language. This research adopted a qualitative-quantitative design and was conducted using a content analysis approach. The statistical population consisted of Persian proverbs, and a purposive sample of 300 proverbs was selected from authoritative sources (including *Amsāl o Ḥekam* by Dehkhodā and Shakurzādeh's Dictionary of Twelve Thousand Persian Proverbs) and analyzed. After data extraction, the proverbs were carefully classified and coded based on Searle's fivefold taxonomy of speech acts. Subsequently, the absolute and percentage frequencies of each category were calculated. In addition to the quantitative analysis, a qualitative analysis of selected examples was conducted to provide a more in-depth explanation of each speech act. The results indicated that among the 300 Persian proverbs examined, assertive speech acts (200 instances, 67.66%) had the highest frequency, primarily functioning to state facts and describe realities. This was followed by directive speech acts (66 instances, 22%), which play a key role in advising, warning, and guiding the addressee's behavior. Expressive speech acts (29 instances, 9.67%) were associated with the expression of the speaker's psychological states and emotions. In contrast, commissive speech acts (5 instances, 1.67%) occurred very infrequently and were mostly related to ethical principles concerning promises and commitments rather than the creation of direct obligations. No declarative speech acts (0 instances, 0%) were identified among the Persian proverbs, which can be attributed to the general nature of proverbs and their lack of institutional authority. Overall, the findings demonstrate that Persian proverbs predominantly serve descriptive (assertive) and guiding (directive) functions and are used less frequently for the direct expression of emotions or the creation of personal commitments, while lacking reality-altering (declarative) capabilities.

Keywords: *Persian proverbs, speech act, Searle's theory, content analysis, applied linguistics.*



How to cite: Hamed Mohammad, S., & Sharif Saeed, Y. (2026). An Examination of Proverbs in the Persian Language from the Perspective of Searle's Speech Act Theory. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(2), 1-24.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 July 2025

Revise Date: 14 December 2025

Accept Date: 21 December 2025

Initial Publish: 29 April 2026

Final Publish: 22 June 2026

دارند، در بافت‌های ارتباطی واقعی از منظر نظریه جان سرل چه نوع کنش گفتاری را محقق می‌سازند؟ به عبارت دیگر، گویشوران فارسی‌زبان با توسل به ضرب‌المثل‌ها بیشتر به دنبال انجام کدام دسته از کنش‌ها (مانند ترغیب، تعهد، اظهار و...) هستند و چگونه می‌توان ماهیت غیرمستقیم این کنش‌ها را تبیین کرد؟

روش تحقیق و جامعه آماری

پژوهش حاضر از نوع کیفی-کمی بوده و با رویکرد تحلیل محتوا به بررسی کنش‌های گفتاری در ضرب‌المثل‌های فارسی پرداخته است. هدف اصلی این روش، شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل فراوانی کنش‌های گفتاری مختلف (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل در نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌های پرکاربرد فارسی بود.

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه ضرب‌المثل‌ها و امثال و حکم موجود در زبان فارسی است. از آنجایی که استخراج و تحلیل تمامی ضرب‌المثل‌ها امکان‌پذیر نبود، برای این مطالعه، یک نمونه هدفمند از ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی انتخاب گردید. این ضرب‌المثل‌ها از منابع معتبر و جامع امثال و حکم فارسی، از جمله «امثال و حکم دهخدا» و «فرهنگ دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی شکورزاده»، استخراج و جمع‌آوری شده‌اند. ملاک انتخاب نمونه، پراکندگی موضوعی و گستردگی کاربرد در مکالمات روزمره و متون نوشتاری بود تا نمایانگر طیف وسیعی از کارکردهای ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ فارسی باشد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، فیش‌برداری از منابع مکتوب مذکور بود. هر ضرب‌المثل استخراج شده، به صورت جداگانه ثبت و سپس بر اساس تعریف و ویژگی‌های پنج‌گانه کنش‌های گفتاری سرل، مورد تحلیل قرار گرفت.

روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش طی مراحل دقیق و منسجم انجام شد. در گام نخست، تعداد ۳۰۰ ضرب‌المثل از منابع تعیین‌شده شناسایی و استخراج گردید و فیش‌برداری آن‌ها صورت

زبان، این پدیده کهن اجتماعی، فراتر از یک نظام ارتباطی صرف برای انتقال اطلاعات، محملی برای اندیشه و آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ، تاریخ و جهان‌بینی یک ملت است. اگرچه نقش اولیه زبان برقراری ارتباط است، اما زبان‌شناسی مدرن توجه ویژه‌ای به نقش‌ها و کارکردهای متنوع گفتار در بافت‌های ارتباطی دارد (1)، در این میان، ضرب‌المثل‌ها به عنوان گوهرهای بی‌بدیل کلامی، عصاره تجربیات و ارزش‌های یک جامعه را در قالب جملاتی کوتاه و آهنگین بازتاب می‌دهند. این عبارات در بافت‌های مختلف، کارکردهای گوناگونی همچون آموزش، هشدار، تسلی و حتی طنز را ایفا می‌کنند (2).

زبان فارسی با پیشینه‌ای غنی، گنجینه‌ای عظیم از ضرب‌المثل‌ها را در خود جای داده است. برای درک عمیق‌تر ماهیت این ضرب‌المثل‌ها، نمی‌توان تنها به بررسی ساختار ادبی یا ریشه‌های تاریخی آن‌ها بسنده کرد؛ بلکه باید دید گویشوران با به کار بردن این جملات، دقیقاً چه «کاری» انجام می‌دهند. اینجاست که دانش کاربردشناسی زبان و به‌ویژه «نظریه کنش‌های گفتاری» اهمیت می‌یابد.

نظریه کنش‌های گفتاری که نخستین بار توسط جان آستین در تقابل با نگاه صرفاً توصیفی به زبان مطرح شد، بیان می‌دارد که هدف گوینده از بیان بسیاری از جملات - حتی آن‌ها که ساختار خبری دارند - نه توصیف یک واقعیت، بلکه انجام دادن یک عمل است (3). این نظریه سپس توسط جان سرل تکمیل و نظام‌مند شد. سرل با تأکید بر اینکه صحبت کردن نوعی کنش قاعده‌مند است، چارچوبی دقیق برای طبقه‌بندی نیت و اهداف گویندگان ارائه داد (4). نظریه سرل ابزاری قدرتمند برای واکاوی لایه‌های پنهان معنا و درک ناگفته‌های متن در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. با توجه به آنچه ذکر شد، مسئله اصلی این پژوهش آن است که ضرب‌المثل‌های زبان فارسی، که غالباً ساختاری اخباری یا توصیفی

کارکردهای زبانی ضرب‌المثل‌ها یا کنش‌های گفتاری خاص پرداخته‌اند، اشاره می‌شود:

شریف‌راد (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی بین‌فرهنگی ضرب‌المثل‌های تجسمی فارسی و آمریکایی با ارجاع به افعال ادراک دوگانه»، عملکرد گفتاری غالب در هر دو فرهنگ را مشورت غیرمستقیم و بیان حکم دانست، و از نظر استعاره، ضرب‌المثل‌ها را بیشتر مبتنی بر استعاره (متافور) تا مجاز (متونیمی) ارزیابی کرد (5).

اوکوتوری (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل کاربردشناختی ضرب‌المثل‌های کلکوما» به بررسی کنش‌های گفتاری انجام شده از طریق ضرب‌المثل‌های زبان کلکوما پرداخت. یافته‌ها نشان داد که ضرب‌المثل‌های کلکوما می‌توانند کنش‌های گفتاری متعددی از جمله اثبات، مشورت، هشدار و تشویق را انجام دهند (6).

ماکوی (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل کاربردشناختی کنش گفتاری مشورت در ضرب‌المثل‌های یاکا»، به کارکرد مشورتی ضرب‌المثل‌های زبان یاکا پرداخت. نتایج نشان داد که بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها مشورتی‌اند، یعنی نقش مشورت‌دهنده دارند و قوانین معنایی مشخصی در آن‌ها هست که از بروز نارسایی جلوگیری می‌کند (7).

کلگر (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «ضرب‌المثل‌ها به‌مثابه کنش گفتاری در انگلیسی و چکی»، به تحلیل نحوه عملکرد ضرب‌المثل‌ها در دو زبان انگلیسی و چکی پرداخت. این تحقیق نشان داد که نسبت قابل توجهی از ضرب‌المثل‌ها در متن‌های واقعی دیگر به‌عنوان کنش خودایستا عمل نمی‌کنند و نیت‌شان تغییر می‌یابد، به این معنی که شرط «موفقیت» آن‌ها به بافت بستگی دارد. این پژوهش نشان داد که شرایط تحقق ضرب‌المثل به‌عنوان کنش گفتاری (مثل شکل‌های تغییر یافته، کوتاه‌شده، یا غیرکانونیکال) بسیار مهم‌تر از خود حضور ضرب‌المثل در شکل «کانونیکال» است (8).

گرفت. سپس، پنج دسته کنش گفتاری سرل — اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی — با توجه به تعاریف نظری سرل و با در نظر گرفتن بافت فرهنگی زبان فارسی، به صورت عملیاتی تعریف شدند تا مبنایی روشن برای طبقه‌بندی فراهم شود. در مرحله طبقه‌بندی، هر ضرب‌المثل با دقت بررسی شد و بر اساس نیت اصلی گوینده و تأثیر آن بر مخاطب یا واقعیت، در یکی از پنج دسته قرار گرفت. برای جلوگیری از ابهام و هم‌پوشانی، تلاش شد هر ضرب‌المثل فقط در یک دسته گنجانده شود تا مجموع طبقه‌بندی‌ها دقیقاً برابر با ۳۰۰ باشد. در گام بعدی، دسته‌ها کدگذاری و فراوانی مطلق ضرب‌المثل‌های موجود در هر دسته شمارش شد. پس از آن، درصد فراوانی هر دسته نسبت به کل نمونه محاسبه گردید تا توزیع کمی کنش‌های گفتاری مشخص شود. افزون بر این تحلیل کمی، تحلیل کیفی نیز انجام گرفت؛ به‌گونه‌ای که برای هر دسته، چند نمونه از ضرب‌المثل‌ها انتخاب و به صورت تفصیلی بررسی شد. این تحلیل کیفی شامل ۱۰ نمونه برای کنش‌های اظهاری، ۱۰ نمونه برای ترغیبی، ۵ نمونه برای تعهدی و ۱۰ نمونه برای عاطفی بود و هدف آن روشن کردن چگونگی بروز این کنش‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی و تبیین سازوکار عملکرد آن‌ها در بافت فرهنگی زبان بود.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در حوزه زبان‌شناسی، فولکلور و تحلیل گفتمان به بررسی ضرب‌المثل‌ها از ابعاد گوناگون پرداخته‌اند. با این حال، پژوهش‌های تخصصی که به طور مستقیم و جامع به تحلیل کنش‌های گفتاری ضرب‌المثل‌ها بر اساس چارچوب نظری جان سرل در زبان فارسی بپردازند، نسبتاً محدود هستند. اگرچه تحقیقات پراکنده‌ای در سایر زبان‌ها و با رویکردهای متفاوت انجام شده است، اما خلاء چنین پژوهشی در ادبیات زبان‌شناسی فارسی مشهود است. در ادامه، به برخی از پژوهش‌های مرتبط که به تحلیل

اشپیو و آمنده (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان کنش‌گفتاری موقعیتی» استدلال کردند که ضرب‌المثل‌ها اغلب در گفتمان شفاهی، سخنرانی عمومی و بلاغت به‌عنوان کنش‌های گفتاری «موقعیتی» به‌کار می‌روند؛ یعنی نه صرفاً پیام اخلاقی دارند، بلکه به منظور آرایش، پنهان‌سازی یا زیباسازی سخن استفاده می‌شوند (9).

شریفی و ابراهیمی (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی کنش‌های گفتاری نفرین و دعا در زبان فارسی» به طبقه‌بندی و تحلیل گفتارهای نفرین و دعا پرداختند. آن‌ها کنش‌های گفتاری «ابرازگر» را مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که این گفتارها بخش مهمی از کارکردهای زبانی فرهنگی‌اند و می‌توانند هم «ابزار ابراز عاطفه» و هم «بیان هنجار» باشند (10).

با وجود پژوهش‌های ارزشمندی که در بالا ذکر شد، که عمدتاً به تحلیل کارکرد ضرب‌المثل‌ها در زبان‌های دیگر (مانند انگلیسی، چکی، یاکا، کلکوما) یا بررسی کنش‌های گفتاری خاص (مانند مشورت، دعا و نفرین) پرداخته‌اند، جای خالی یک تحلیل جامع و کمی- کیفی از تمامی دسته‌های کنش‌های گفتاری سرل در مجموعه ضرب‌المثل‌های زبان فارسی به وضوح احساس می‌شود. مزیت و اهمیت اصلی پژوهش حاضر در مقایسه با کارهای علمی صورت گرفته، این است که این تحقیق، برخلاف بسیاری از مطالعات قبلی که بر یک کنش گفتاری خاص (مانند مشورت یا ابراز عاطفه) تمرکز کرده‌اند، تمامی پنج دسته اصلی کنش‌های گفتاری سرل را به صورت نظام‌مند در یک جامعه آماری مشخص از ضرب‌المثل‌های فارسی مورد بررسی قرار داده است.

مبانی نظری

کنش‌گفتار یکی از مباحث بنیادین در حوزه کاربردشناسی زبان است. آقاگل‌زاده (۱۳۸۵) این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: «کنش‌گفتار یکی از شاخه‌های کاربردشناسی زبان است که موضوع بحث آن، معانی خاصی است که طرفین گفتمان بنا به دانش قبلی خود و

تحلیلشان از بافت متن، به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی متن نسبت می‌دهند» (11). بر این اساس، کنش‌گفتار به عملی اطلاق می‌شود که در نتیجه‌ی یک گفته عمده‌ی و با هدف ایجاد یک جریان یا کنش خاص، اتفاق می‌افتد (12).

اصل بنیادین در این نظریه آن است که هیچ گفتگویی در خلأ رخ نمی‌دهد و شناخت بافت برای درک آن ضروری است. تحلیل کنش‌های گفتاری هر متنی، نیازمند توجه عمیق به بسترهای اجتماعی، تاریخی و ادبی آن است. این دیدگاه در تقابل با رویکردهایی قرار دارد که متن را فارغ از بافت گفتمانی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند (13). مفهوم «بافت موقعیت» را نخستین بار مالدینوفسکی، مردم‌شناس لهستانی، مطرح کرد. او معتقد بود زبان‌های زنده باید در متن امور روزمره و فعالیت‌های جاری مطالعه شوند، نه جدا از بافت موقعیتی خود (11). بنابراین، بافت شامل تمامی شاخص‌هایی همچون زمان، مکان، هویت طرفین و ماهیت روابط آن‌هاست که برای فهم و ارزیابی یک گفتمان ضروری است (14).

جان آستین نظریه کنش‌گفتار از نظر قلمرو به حوزه فلسفه زبان تعلق دارد و به نقش‌های فعل و جمله در فرایند گفتمان می‌پردازد (15). این نظریه برای نخستین بار توسط جان لانگ شاو آستین، فیلسوف مکتب آکسفورد، در دهه ۱۹۳۰ در دانشگاه هاروارد معرفی و دو دهه بعد در کتاب «چگونه با کلمات کار انجام دهیم؟» منتشر شد (16).

آنچه آستین مطرح ساخت، واکنشی انتقادی نسبت به دیدگاه سنتی فیلسوفان و معنی‌شناسان بود که معتقد بودند: (۱) جملات خبری گونه اصلی جملات زبان‌اند؛ (۲) کاربرد اصلی زبان اطلاع‌رسانی است؛ و (۳) معنای پاره‌گفتار را می‌توان با معیار صدق و کذب سنجید (17، 18). آستین با رد این اصول، استدلال کرد که بسیاری از گفته‌های ما نه برای توصیف جهان، بلکه برای «انجام دادن کار» به کار می‌روند. او این دسته از جملات را که فاقد ارزش صدق و

کذب هستند، «کنش» یا «جملات کنشی» نامید؛ زیرا تولید آن‌ها در شرایط مناسب، به منزله انجام یک عمل قراردادی اجتماعی است (مانند گفتن «بله» در مراسم ازدواج) (4، 19).

نظریه سرل

سرل در سال ۱۹۳۲، در دنور امریکا متولد شد. وی یکی از فیلسوفان مشهور امروزی است. او فلسفه، سیاست و اقتصاد را در دانشگاه آکسفورد گذرانده است، در همین باب در سال ۱۹۵۹ در دانشگاه کالیفرنیا برکلی سخنرانی ارائه کرد که مورد توجه عموم قرار گرفت. سرل را فیلسوف فیلسوفان نامیده‌اند؛ زیرا موضوعاتی را که او از عهده انجام آن‌ها برآمده است و همه آنچه در این زمینه انجام داده است، بیشتر از توان یک فیلسوف است. همچنین او را یک متفکر شجاع دانسته‌اند؛ زیرا که آزادی گفتار او در دانشگاه و همچنین تلاش برای بازنویسی قواعد مکاتب آمریکایی با خط و مشی‌های چند فرهنگی نشان‌دهنده این خصوصیت بارز او است. او در هر یک از سخنرانی‌هایش چه در باب فلسفه و چه گفتمان‌های عمومی، نظرات خود را بدون پرده و ابهام بیان می‌کرده است و همیشه دقیقاً اصل مطلب را مطرح می‌ساخته است که این امر سبب شده است که او یکی از تأثیرگذارترین دانشمندان زمان خود محسوب شود و البته همین ویژگی او است که راه را برای او به سمت گسترش نظرات فلسفی‌اش هموار کرده است (20).

یکی از مهم‌ترین موضوعات موردعلاقه سرل، کنش گفتار است که در باب این موضوع انتشاراتی نیز داشته است. از جمله می‌توان به انتشار مقاله‌ای به نام «مقاله‌ای در خصوص فلسفه زبان (۱۹۶۹)» اشاره کرد. علاوه بر آن مقاله‌هایی به نام‌های «فلسفه ذهن ۱۹۸۳» و «ساختار روابط اجتماعی ۱۹۹۵» را نیز می‌توان نام برد. این موضوعات نشان‌دهنده وجود فلسفه در هر یک از این موارد می‌باشند؛ که شامل: ۱- فلسفه زبان ۲- فلسفه مغز ۳- فلسفه اجتماع هستند (16).

انواع کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل

سرل تقسیم‌بندی متفاوتی از کنش‌های گفتار ارائه می‌کند و دیدگاه وی از تنوع معنایی بیشتری برخوردار است. بافت، یکی از مهم‌ترین عواملی است که در تقسیم‌بندی انواع کنش‌های گفتاری در دیدگاه سرل اهمیت دارد. چگونگی شکل‌گیری بافت یک کنش گفتار با ماهیت و مقصود از تولید آن کنش در تعامل است. مثلاً اینکه آیا کنش یک عمل اجتماعی صرف است یا خیر و نیز اینکه آن کنش دربردارنده چه نوع عمل اجتماعی می‌باشد (4) به همین دلیل، باید در بررسی کنش‌های گفتاری متون مختلف، نوع بافت دربردارنده کنش گفتار و نوع عمل اجتماعی موردنظر از تولید آن، موردتوجه دقیق قرار گیرد. آستین در شرح نظریه کنش گفتار، اقدام به طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری در پنج حیطه مختلف، به شرح زیر نمود (4).

کنش اظهاری

هدف این کارگفت‌ها، توصیف حالتی یا حادثه‌ای است. در این نوع کنش‌ها، گوینده باور خود را درباره‌ی درستی یا نادرستی مطلبی بیان می‌کند. در واقع در این نوع کنش، گوینده پدیده‌ها و وقایع جهان بیرون را توصیف می‌کند. (مثال ۱) ما می‌فهمیم زمانی که مردم در آینده خویش نقشی داشته باشند، آمار جرم و جنایت کم می‌شود. (مثال ۲) ظاهراً گسترش درگیری‌ها و تروریسم، توجیهی برای ورود نیروهای خارجی به افغانستان است (4)

از جمله واژگان و عباراتی که برای بیان استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از: «تاندازه‌ای»، «مقداری»، «تقریباً» و امثال این‌ها (21). برخی از افعال مرتبط با کنش اظهاری عبارت‌اند از:

«آغاز کردن یک عمل، ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تصحیح کردن، تغییر فعالیت دادن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطا کردن، اعلان کردن، التماس کردن، بحث کردن، تفسیر کردن، تکذیب کردن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، دلیل آوردن، رها کردن، شرح دادن، گزارش

دادن، گفتن، محدود کردن، مطمئن بودن، معرفی کردن، نسبت دادن، نفی کردن، نقد کردن، واگذار کردن.» (4)

ابزارهای تسهیل شناخت کنش اظهاری عبارت‌اند از:

«من می‌گویم که، من اظهار می‌کنم که، من تأیید می‌کنم که، من تصحیح می‌کنم که و ...» (4)

کنش ترغیبی

هدف غیر بیانی این کارگفت‌ها، تشویق یا واداشتن مخاطب به انجام کاری است. محتوای گزاره‌ای این نوع کارگفت‌ها این است که شنونده کنشی را در آینده انجام می‌دهد. کنش‌های ترغیبی، رغبت و خواست‌گوینده را بیان می‌کنند. معمولاً این نوع کنش‌ها را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده کرد (3).

مثال: آیا تولید سلاح‌های جنگی و انباشت آنان در زرادخانه‌ها برای گسترش صلح و دموکراسی است؟

در این نوع از کنش‌های گفتاری از افراد خواسته می‌شود که کاری را انجام دهند یا آن را متوقف سازد یا اصلاً دست به انجام کاری نزنند. بنابراین کنش‌های ترغیبی شامل گستره وسیعی از انواع کنش‌های گفتاری از قبیل «پرسیدن»، «دستور دادن»، «تهدید کردن»، «اعتراض کردن»، «اخطار دادن»، «هشدار دادن»، «التماس کردن» و ... می‌شود (21).

«برخی از افعال مرتبط با کنش ترغیبی عبارت‌اند از: توصیه کردن، سؤال کردن، پند و اندرز دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تقاضا کردن، تکرار کردن، توانستن، توضیح خواستن، خواستن، درخواست اثبات کردن، درخواست اطلاعات کردن، اجازه دادن، اخطار دادن، اصرار و پافشاری کردن، اعلام نیاز کردن، التماس کردن، القا کردن، بازخواست کردن، بایستن و لازم بودن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، درخواست کردن، دستور دادن، دعوت کردن، دوباره راه انداختن، شرط کردن، شرط گذاشتن، گدایی کردن، معذرت‌خواهی کردن، نصیحت کردن و هشدار دادن» (21)

برخی از ابزارهای تسهیل شناخت کنش ترغیبی عبارت‌اند از: «من می‌خواهم که، من هشدار می‌دهم که، من توصیه می‌کنم که، من دستور می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من اجازه می‌دهم که، من اخطار می‌دهم که، من به ... نصیحت می‌کنم که، من سؤال می‌کنم که، من پیشنهاد می‌کنم که، من تقاضا می‌کنم که، من تکرار می‌کنم که و ...» (4)

کنش تعهدی

کنش تعهدی به آن دسته از کنش‌هایی گفتاری اطلاق می‌شود که گوینده خود برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند. به عبارت دیگر، گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی نظیر این، متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام دهد. هدف این کنش، تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌ای عمل شنونده می‌باشد. مثال: من قول می‌دهم فردا به مدرسه بروم.

برخی از افعال کنش تعهدی عبارت‌اند از: ضمانت کردن، قول دادن، بیان موافقت کردن، تعهد دادن، تقدیم کردن، داوطلب شدن، قسم خوردن، متعهد شدن. «ابزارهای شناخت این کنش عبارت‌اند از: من قول می‌دهم که، من تعهد می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من قسم می‌خورم که و ...» (22).

کنش عاطفی

کنش‌های عاطفی شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را بیان می‌کنند. گوینده حالات روحی و روانی خود را از طریق تبریک گفتن، قدردانی کردن، تشکر کردن، عذرخواهی کردن، ناسزا گفتن و مانند آن بیان می‌کند. از جمله افعال مرتبط با این کنش عبارت‌اند از: سلام کردن، اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، خشنود شدن، خشمگین شدن، تبریک گفتن، پیش‌بینی کردن، تأمل کردن، تردید داشتن، تشکر کردن، تعجب کردن، تمجید کردن، احترام گذاشتن و (3). «برخی از افعال مرتبط با کنش عاطفی عبارت‌اند از: آرزو کردن، تشکر کردن، تأمل کردن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، تعجب کردن، اظهار همدردی کردن،

اهانت کردن، تمجید کردن، خشمگین کردن، خشنود شدن، دشنام دادن، سلام دادن، شکایت کردن، معذرت‌خواهی کردن، ناسپاسی کردن و ...» (22).

ابزارهای شناخت کنش عاطفی عبارت‌اند از: من تشکر می‌کنم که، من معذرت می‌خواهم که، من تبریک می‌گویم که، من تردید دارم که، من خشنود هستم که و ...» (همان) خداوند در قرآن کریم برای رساندن سخن و هدف خود به انسان‌ها از کلمات، جملات و قالب‌های بلاغی متنوعی بهره برده است، از جمله برای اثرگذاری هر چه بهتر و بیشتر سخنان خود، از جملات و عباراتی استفاده نموده که حاوی حالات روحی و روانی افراد و کنش عاطفی هستند. همچنین این عبارات و سخنان خود را به صورت‌های مختلف در قالب جملات خبری و انشایی بیان نموده است.

کنش اعلامی

در این نوع کنش‌ها، شرایط تازه‌ای برای مخاطب اعلام می‌شود و افراد با اعلام‌های خود، تغییرات جدید را ایجاد می‌کنند. از آنجایی که این کنش‌ها بر انطباق زبان و جهان خارج استوار هستند، باید گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاق جدید را داشته باشد. از جمله افعال مرتبط با کنش اعلامی عبارت‌اند از: اخراج کردن، به کار گماردن، نام‌گذاری کردن، عقد قرارداد کردن، اعلام کردن، انتصاب کردن، آغاز کردن، از کار برکنار کردن و ... عبارت «من اعلام می‌کنم که»، مهم‌ترین ابزار تسهیل شناخت این کنش است (3).

مثال: از این ساعت شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم. «برخی از افعال مرتبط با کنش اعلامی عبارت‌اند از: اعلام کردن، انتصاب کردن، به کار گماردن، نام‌گذاری کردن، عقد قرارداد کردن، آغاز کردن کار، از کار برکنار کردن، پایان دادن کار و ...» (22)

بحث و بررسی

این بخش به بررسی و تحلیل ضرب‌المثل‌های منتخب زبان فارسی از منظر نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل می‌پردازد. همان‌طور

که در مبانی نظری تبیین شد، جملات و عبارات تنها برای انتقال اطلاعات به کار نمی‌روند، بلکه ابزارهایی برای انجام کنش‌های مختلف زبانی در بافت‌های ارتباطی هستند. ضرب‌المثل‌ها به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از زبان و فرهنگ فارسی، نمونه‌های شاخصی از این کارکردهای گفتاری را به نمایش می‌گذارند. در ادامه، نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های پرکاربرد فارسی بر اساس طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند تا مشخص گردد گویشوران فارسی‌زبان با به‌کارگیری این گوهرهای زبانی، چه نیات و اهداف ارتباطی را دنبال می‌کنند و چگونه این عبارات، گاه به شیوه‌ای غیرمستقیم، در تعاملات روزمره کنش‌آفرینی می‌کنند. هر تحلیل، شامل معرفی ضرب‌المثل، تبیین جایگاه آن در یکی از دسته‌های سرل و چرایی این انتخاب، و همچنین بررسی ظرافت‌های معنایی و کارکردی آن در بستر فرهنگی-اجتماعی است.

کنش اظهاری

این بخش از پژوهش به تحلیل و بررسی کنش‌های گفتاری اظهاری در ضرب‌المثل‌های فارسی اختصاص یافته است. کنش‌های اظهاری که در چارچوب نظریه کنش‌های گفتاری سرل تعریف می‌شوند، به افعال گفتاری اطلاق می‌گردد که گوینده از طریق آن‌ها به صدق محتوای یک گزاره متعهد می‌شود. به عبارت دیگر، هدف اصلی این کنش‌ها، بیان یک واقعیت، توصیف یک وضعیت، گزارش یک رویداد، یا تأیید صحت یک گزاره است.

بررسی ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی در جامعه آماری این پژوهش نشان می‌دهد که کنش‌های اظهاری با ۲۰۰ مورد (معادل ۶۶/۶۷ درصد از کل نمونه‌ها)، بیشترین فراوانی را در میان تمامی دسته‌های کنش‌های گفتاری به خود اختصاص داده‌اند. این آمار چشمگیر، حاکی از نقش محوری ضرب‌المثل‌ها در انتقال دانش، توصیف جهان پیرامون و تثبیت باورها و مشاهدات جمعی در فرهنگ ایرانی است. ضرب‌المثل‌های اظهاری اغلب به مثابه قوانین نانوشته یا

بی‌عیب و نقص، نباید از بررسی و حسابرسی واهمه داشته باشد. این گزاره، نه دستوری است (زیرا به کسی نمی‌گوید که حسابش را پاک کند)، نه عاطفه‌ای را مستقیم بیان می‌کند و نه تعهدی را ایجاد می‌کند، بلکه یک حقیقت جهان‌شمول در مورد ارتباط میان صداقت و آرامش خاطر را گزارش می‌کند. این گزاره، به صدق این ارتباط منطقی متعهد است.

۴. «هر که بامش بیش برفش بیشتر.» (24) این ضرب‌المثل یک کنش اظهاری است که یک حقیقت کلی و قاعده منطقی را بیان می‌کند. گوینده با گفتن این جمله، یک رابطه علت و معلولی را توصیف می‌کند: هر فردی که امکانات، قدرت یا جایگاه بیشتری دارد (بامش بیش)، مسئولیت‌ها و مشکلات بیشتری نیز خواهد داشت (برفش بیشتر). هدف از این گفتار، صرفاً گزارش و توصیف این تناسب است، نه واداشتن کسی به کاری یا ابراز احساسی. این ضرب‌المثل یک اصل پذیرفته‌شده را مطرح می‌کند که به صدق آن متعهد است.

۵. «هر گردی گردو نیست.» (24) این ضرب‌المثل یک کنش اظهاری واضح است که یک حقیقت در مورد تفاوت‌ها و عدم تطابق ظواهر با واقعیت را بیان می‌کند. گوینده با بیان این جمله، یک گزاره توصیفی را مطرح می‌کند: صرف شباهت ظاهری دلیل بر یکسان بودن ماهیت نیست. این ضرب‌المثل هشدار غیرمستقیم را نیز در خود دارد، اما کارکرد اصلی آن، توصیف این واقعیت است که نباید فریب ظاهر را خورد. این گزاره، به صدق این حقیقت متعهد است.

۶. «برادری به جا، بزغاله یکی هفتصد دینار.» (همان: ۲۲۴) این ضرب‌المثل کارکردی اظهاری دارد که به توصیف ماهیت پیچیده روابط انسانی، به‌ویژه در مسائل مالی می‌پردازد. گوینده با این جمله، یک حقیقت را بیان می‌کند: هرچند روابط خویشاوندی و عاطفی (برادری) جایگاه خود را دارند، اما در معاملات و امور مالی، اصول حساب و کتاب و قیمت‌گذاری منطقی (بزغاله یکی

دانش عامه عمل می‌کنند که بر مبنای درک مشترک از جهان و تجربیات زیسته شکل گرفته‌اند. در ادامه، جهت تحلیل عمیق‌تر، ده مورد از برجسته‌ترین ضرب‌المثل‌های اظهاری انتخاب شده و به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا ویژگی‌های زبانی، معنایی و کارکردی این دسته از کنش‌ها روشن شود.

۱. «از بزرگان عفو بوده است، از فرودستان گناه.» (23) این ضرب‌المثل به وضوح یک کنش اظهاری است، زیرا به توصیف یک حقیقت یا قاعده اجتماعی پذیرفته‌شده می‌پردازد. گوینده با بیان این گزاره، نه قصد دستور دادن، نه ابراز احساس خاصی، و نه تعهد به عملی در آینده را دارد، بلکه صرفاً یک واقعیت جامعه‌شناختی و فرهنگی را گزارش می‌کند: انتظار می‌رود که افراد صاحب قدرت و جایگاه، بخشنده‌گی نشان دهند و خطای افراد فرودست، امری طبیعی‌تر و قابل چشم‌پوشی‌تر تلقی می‌شود. این ضرب‌المثل یک مشاهده عینی از ماهیت روابط قدرت و ضعف و انتظارات رفتاری مرتبط با آن را بیان می‌کند و به صدق این گزاره در بافت اجتماعی مورد نظر متعهد است.

۲. «این حرف‌ها برای فاطمی تنبان نمی‌شود.» (23) این ضرب‌المثل نیز کارکردی اظهاری دارد. گوینده با گفتن این جمله، یک حقیقت تلخ یا واقعیت مشخص را در مورد بی‌اثری کلام یا وعده‌های توخالی بیان می‌کند. هدف از این گفتار، نه واداشتن مخاطب به انجام کاری، نه بیان عاطفه‌ای عمیق و نه تعهدی شخصی است؛ بلکه صرفاً گزارش این است که حرف‌های زده‌شده، فاقد ارزش عملی و توانایی تغییر وضعیت هستند. این ضرب‌المثل بر غیرواقعی بودن یا بی‌فایده بودن سخنان خاصی تأکید می‌کند و به صدق این گزاره در بافت مربوطه متعهد است.

۳. «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است.» (23) این ضرب‌المثل نمونه‌ای از یک کنش اظهاری است که یک اصل اخلاقی و رفتاری را در قالب یک حقیقت بیان می‌کند. گوینده با بیان این جمله، یک گزاره کلی را مطرح می‌کند که فرد شفاف و

حقیقت کلی و امیدوارکننده را بیان می‌کند. گوینده با این جمله، یک گزاره توصیفی را مطرح می‌کند: موانع فیزیکی و طبیعی ممکن است غیرقابل عبور باشند (کوه به کوه نمی‌رسد)، اما در زندگی اجتماعی، امکان دیدار مجدد و برخورد افراد با یکدیگر همواره وجود دارد. این ضرب‌المثل به صدق این واقعیت اجتماعی و امید به تکرار روابط انسانی متعهد است و نه قصد دستور، نه ابراز عاطفه مستقیم و نه تعهدی خاص را دارد.

۱۰. «خسیس اگر تب هم داشته باشد به کسی نمی‌دهد.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش اظهاری است که ماهیت و شدت خساست را توصیف می‌کند. گوینده با این جمله، یک حقیقت اغراق‌آمیز اما گویا را در مورد ویژگی فرد خسیس بیان می‌کند: خساست او به حدی است که حتی چیزی بی‌ارزش و غیرقابل انتقال مانند تب خود را نیز به کسی نمی‌دهد. هدف از این گفتار، صرفاً گزارش و توصیف این خصیله است، نه واداشتن کسی به کاری یا ابراز عاطفه‌ای خاص. این گزاره به صدق این توصیف از ویژگی فرد خسیس متعهد است.

پس از تحلیل مثال‌های منتخب، با توجه به تعداد زیاد امثالی که در این گروه قرار گرفته‌اند، بخشی از ضرب‌المثل‌های اظهاری شناسایی شده به همراه دسته‌بندی آن‌ها در قالب یک جدول ارائه شد.

هفتصد دینار) باید رعایت شود. این ضرب‌المثل یک واقعیت اجتماعی را گزارش می‌کند که مرز میان روابط شخصی و معاملات اقتصادی را مشخص می‌سازد و به صدق این قاعده در اجتماع متعهد است.

۷. «تنبل نرو به سایه، سایه خودش می‌آید.» این ضرب‌المثل نیز به لحاظ ساختاری یک کنش اظهاری است که ماهیت تنبلی و عدم ابتکار را توصیف می‌کند. اگرچه ممکن است لحن سرزنش‌آمیز یا طنزآلودی داشته باشد، اما هدف اصلی آن، توصیف رفتار فرد تنبل و نگاه او به امور است؛ نه اینکه مستقیماً به او دستور دهد که تنبل نباشد، بلکه تصویری از ویژگی‌های تنبل را ارائه می‌دهد. این گزاره، به صدق این توصیف رفتاری و پیامدهای آن متعهد است.

۸. «حریص با جهانی گرسنه است و قانع به نانی سیر.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش اظهاری است که به توصیف ماهیت و پیامدهای دو صفت اخلاقی حرص و قناعت می‌پردازد. گوینده با بیان این جمله، یک حقیقت روان‌شناختی و اخلاقی را گزارش می‌کند: فرد حریص هرگز از آنچه دارد راضی نیست و همیشه احساس کمبود می‌کند (گرسنه است)، در حالی که فرد قانع با داشته‌های اندک خود نیز احساس رضایت دارد (سیر است). این ضرب‌المثل به صدق این توصیف از ویژگی‌های درونی و تأثیر آن‌ها بر کیفیت زندگی متعهد است.

۹. «کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد.» (23) این ضرب‌المثل نمونه‌ای برجسته از یک کنش اظهاری است که یک

جدول ۱. ضرب‌المثل‌های دارای کنش اظهاری

ردیف	ضرب‌المثل	توصیف نحوه کنش
۱	احسان همه خلق را نوازد آزادان را چو بنده سازد (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۸۶).	توصیف ماهیت احسان و تأثیر آن
۲	از پس ظلمت بسی خورشیدهاست. (همان: ۱۱۰)	بیان حقیقت درباره امیدواری به آینده
۳	از تو حرکت از خدا برکت. (همان: ۱۱۴)	بیان یک اصل اعتقادی/عملی
۴	اندیشه مرد ناکرده کار کند آرزوی گل از تخم خار. (دهخدا، ۱۳۷۰: ۳۰۰)	بیان یک واقعیت روان‌شناختی یا ماهیت آرزو
۵	آب رفته به جوی نیاید (همان: ۱۰).	بیان یک حقیقت غیرقابل تغییر
۶	آب زیر کاه. (همان: ۱۱)	توصیف ویژگی فرد یا وضعیت
۷	آتش که به بیشه افتاد به خشک گذارد نه تر. (همان: ۱۸)	بیان حقیقت درباره پیامدهای فراگیر
۸	آشپز اگر دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک (همان: ۲۹)	بیان حقیقت درباره مدیریت و تعدد نظر

۹	آدمی گرسنه نان خواب می‌بیند. (همان: ج ۱۸/۲)	توصیف نیازهای اولیه و تأثیر آن بر ذهن
۱۰	آن ممه را لولو برد(همان: ج ۲/ ۱۰۹۱)	بیان حقیقت درباره غیرقابل بازگشت بودن
۱۱	آنچه در دیگ است به چمچمه می‌آید(همان: ج ۱/ ۲۳۹)	بیان یک حقیقت در مورد نتایج اعمال یا آشکار شدن حقایق.
۱۲	آنچه دلم خواست نه آن شد/ آنچه خدا خواست همان شد. (همان: ۵۰)	بیان اعتقاد به تقدیر، پذیرش وضعیت
۱۳	آهن، آهن را می‌شکند. سنگ، سنگ را می‌شکند.	بیان یک قانون کلی یا ماهیت اشیا
۱۴	بر آن کدخدا زار باید گریست که دخلش بود نوزده و خرج بیست. (سعدی)	توصیف وضعیت نابسامانی مالی
۱۵	برادران جنگ کنند ابلهان باور کنند(شکورزاده، ۱۳۸۹: ۲۲۳)	توصیف یک حقیقت درباره روابط نزدیک
۱۶	برادری به جا، بزغاله یکی هفتصد دینار(همان: ۲۲۴).	توصیف ماهیت روابط مالی در کنار روابط عاطفی
۱۷	برادریمان به جا، جو بده آلو زرد ببر. (همان: ۲۲۴)	توصیف ماهیت روابط مالی در کنار روابط عاطفی
۱۸	پایان شب سیه سفید است. (دهخدا، ۱۳۰: ۴۹۸)	بیان حقیقت درباره امیدواری به آینده
۱۹	پول پول را پیدا می‌کند. (همان: ۵۱۶)	بیان یک حقیقت اقتصادی
۲۰	تر و خشک با هم می‌سوزند. (همان: ۵۴۶)	بیان حقیقت درباره پیامدهای فراگیر
۲۱	تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است. (همان: ۶۱۱)	بیان یک حقیقت درباره تأثیر تربیت بر افراد ناهل
۲۲	تنبل نرو به سایه سایه خودش میایه.	توصیف ویژگی تنبلی و عدم ابتکار.
۲۳	تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز. (همان: ۵۶۷)	بیان حقیقت درباره پاداش نیکی.
۲۴	تیری که از کمان جست برنگردد. (همان: ۵۷۰)	بیان یک حقیقت غیرقابل بازگشت.
۲۶	جایی نمی‌خواه که آب زیرش بره.	توصیف ویژگی هوشیاری و زرنگی
۲۶	جمال آدمی در حلم باشد کمال آدمی در حلم باشد(شکورزاده، ۱۳۸۹: ۱۶۶)	توصیف ویژگی‌های ارزشمند انسانی
۲۷	جوجه را آخر پاییز می‌شمارند(همان: ۱۳۴)	بیان حقیقت درباره صبر تا زمان نتایج
۲۸	جوینده یابنده است. (دهخدا، ۱۳۷۰: ۵۹۲)	بیان یک اصل موفقیت
۲۹	چاه کن ته چاه است. . (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۳۷۹)	بیان حقیقت درباره پیامد اعمال بد
۳۰	چراغ به پای خود روشنایی ندهد. (دهخدا، ۱۳۷۰: ۶۰۹)	بیان حقیقت درباره نیاز به خودباوری یا کمک به دیگران

کنش‌های ترغیبی

پس از بررسی کنش‌های گفتاری اظهاری، اکنون به تحلیل کنش‌های گفتاری ترغیبی در ضرب‌المثل‌های فارسی می‌پردازیم. کنش‌های ترغیبی، بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل، به افعال گفتاری اطلاق می‌شوند که گوینده از طریق آن‌ها، قصد واداشتن مخاطب به انجام یا عدم انجام یک عمل خاص را دارد. این کنش‌ها طیف وسیعی از مقاصد ارتباطی، از درخواست و پیشنهاد گرفته تا دستور، توصیه، نصیحت، هشدار و منع را در بر می‌گیرند. در بررسی ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی در این پژوهش، (۶۶) مورد (معادل ۲۲ درصد از کل نمونه‌ها) در دسته کنش‌های ترغیبی قرار

گرفتند. این فراوانی قابل توجه، اهمیت ضرب‌المثل‌ها را به عنوان ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی به رفتارها و جهت‌دهی به افکار در جامعه ایرانی برجسته می‌سازد. ضرب‌المثل‌های ترغیبی، اغلب به صورت غیرمستقیم و با ظاهری خبری یا توصیفی، در تلاش‌اند تا مخاطب را به سوی رفتارهای مطلوب سوق دهند یا از اقدامات نامطلوب بازدارند. این ویژگی، به آن‌ها قدرت اقناعی و تأثیری عمیق‌تر از یک دستور صریح می‌بخشد و آن‌ها را به ابزاری کلیدی در انتقال هنجارها، اخلاقیات و حکمت عملی تبدیل می‌کند. در ادامه این بخش، با انتخاب و تحلیل ده مورد از بارزترین ضرب‌المثل‌های ترغیبی، به واکاوی شیوه‌های گوناگون اعمال این

۴. «تبر را گم کرده پی سوزن می‌گردد.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی غیرمستقیم با کارکرد تذکر یا انتقاد است. اگرچه ساختار جمله توصیفی است، اما گوینده با بیان آن قصد دارد مخاطب را متوجه رفتار غیرمنطقی یا گم کردن اولویت‌های اصلی زندگی کند. نیت گوینده این است که مخاطب را به بازنگری در اعمالش وادار کند و از پرداختن به امور فرعی در حالی که اصل مشکل رها شده، بازدارد. بنابراین، به دلیل هدف تغییر رفتار یا دیدگاه مخاطب، در دسته ترغیبی قرار می‌گیرد.

۵. «هرکه را زبان خوشتر، هواخواهانش بیشتر.» این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی غیرمستقیم با کارکرد نصیحت و تشویق است. جمله ساختار خبری و اظهاری دارد (بیان یک حقیقت درباره ارتباط خوش‌زبانی و محبوبیت)، اما نیت پنهان گوینده، تشویق مخاطب به خوش‌گفتاری و خوش‌زبانی است تا در نتیجه، هواخواهان بیشتری پیدا کند. گوینده با بیان این حقیقت، تلاش می‌کند رفتار مخاطب را به سمت مطلوب (خوش‌زبانی) جهت‌دهی کند.

۶. «یاسین به گوش خر خواندن.» این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی غیرمستقیم با کارکرد تذکر یا منع است. جمله ساختار توصیفی دارد (بیان یک عمل بی‌فایده)، اما هدف گوینده از بیان آن، منع کردن مخاطب از انجام کار بیهوده یا تلاش برای آگاهی‌بخشی به فردی است که قابلیت درک ندارد. گوینده با این ضرب‌المثل، به مخاطب توصیه می‌کند که وقت و انرژی خود را صرف چنین کارهایی نکند. بنابراین، به دلیل نیت واداشتن مخاطب به توقف یک عمل خاص، در دسته ترغیبی قرار می‌گیرد.

۷. «آب را گل آلود می‌کند ماهی بگیرد.» (24) این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی غیرمستقیم با کارکرد انتقاد و تذکر (منفی) است. اگرچه جمله توصیف‌کننده رفتار فرصت‌طلبانه یک فرد است، اما نیت گوینده از بیان آن، انتقاد از این رفتار و بازداشتن مخاطب (یا شنونده) از انجام چنین اعمالی است. با اشاره به پیامد منفی

کنش‌های گفتاری در فرهنگ عامه خواهیم پرداخت. پس از آن، لیست کامل ۵۶ مورد باقیمانده از ضرب‌المثل‌های ترغیبی شناسایی شده، در قالب یک جدول ارائه خواهد شد.

۱. «آشی برایت بیزم که یک وجب روغن رویش داشته باشد.» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۱۰۷) این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی غیرمستقیم، با کارکرد تهدید است. گوینده با بیان این جمله، قصد دارد مخاطب را از انجام عملی بازدارد یا او را وادار به تبعیت کند، با این تلویح که در صورت عدم همکاری یا ادامه رفتار نادرست، با پیامد ناخوشایندی مواجه خواهد شد. جمله به ظاهر توصیفی است (آشی خواهم پخت)، اما نیت واقعی آن، واداشتن مخاطب به تغییر رفتار از طریق ایجاد ترس و بیم از مجازات (ادب کردن) است. بنابراین، در دسته کنش‌های ترغیبی قرار می‌گیرد.

۲. «دوستی کن که محبت ز محبت خیزد.» (همان: ۳۹۰) این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی است که کارکرد نصیحت و توصیه دارد. گوینده با بیان این جمله، مخاطب را به انجام عمل «دوستی کردن» ترغیب می‌کند و دلیل آن را نیز (اینکه محبت متقابل ایجاد می‌کند) بیان می‌نماید. اگرچه جمله ساختار خبری دارد، اما هدف اصلی آن، واداشتن مخاطب به داشتن رفتاری دوستانه است. بنابراین، به دلیل نیت اصلی گوینده برای جهت‌دهی به رفتار مخاطب، در دسته کنش‌های ترغیبی جای می‌گیرد.

۳. «شهر یک چشمان روی هم‌رنگ شو.» (24) این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی دستوری و توصیه‌ای است. این جمله به صراحت از مخاطب می‌خواهد که خود را با محیط و افراد اطرافش هماهنگ کند. فعل «هم‌رنگ شو» به صورت امر و دستور بیان شده است. نیت گوینده، واداشتن مخاطب به مطابقت با هنجارها یا شرایط موجود برای جلوگیری از مشکلات یا جلب پذیرش اجتماعی است. این صراحت در درخواست برای تغییر رفتار، آن را در دسته کنش‌های ترغیبی قرار می‌دهد.

و داشتن مخاطب به رعایت اصل قناعت و اعتدال در خوردن (و به طور ضمنی در همه امور) برای تضمین پایداری و دوام منابع است. صراحت در امر و توصیه، آن را به وضوح در دسته کنش‌های ترغیبی قرار می‌دهد.

۱۰. «گدا را رو می‌دهی صاحبخانه می‌شود.» (24) این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی غیرمستقیم با کارکرد هشدار و منع است. جمله ساختار اظهاری دارد (بیان پیامد یک رفتار)، اما نیت اصلی گوینده، هشدار دادن به مخاطب در مورد پیامدهای منفی افراط در بخشش یا اعتماد بی‌جا به افراد نااهل است. گوینده تلاش می‌کند تا مخاطب را از «رو دادن» بیش از حد به افرادی که سوءاستفاده‌گر هستند، بازدارد. این جنبه هشداردهنده و جهت‌دهنده به رفتار، آن را در دسته کنش‌های ترغیبی قرار می‌دهد.

(گل‌آلود کردن آب)، گوینده تلاش می‌کند تا مخاطب را به سمت رفتاری اخلاقی‌تر و صادقانه‌تر ترغیب کند.

۸. «پند به نادان بارانست در شوره‌ستان.» این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی غیرمستقیم با کارکرد نصیحت و منع است. جمله به ظاهر یک حقیقت را بیان می‌کند (بی‌فایده بودن پند دادن به نادان)، اما نیت اصلی گوینده، منع کردن مخاطب از هدر دادن تلاش‌های خود برای پند دادن به افراد نادان است. گوینده به مخاطب توصیه می‌کند که در انتخاب مخاطب نصیحت خود دقت کند تا وقت و انرژی‌اش به هدر نرود.

۹. «کم بخور، همیشه بخور.» (24) این ضرب‌المثل یک کنش ترغیبی دستوری و توصیه‌ای صریح است. هر دو بخش جمله به صورت امر بیان شده‌اند: «کم بخور» و «همیشه بخور». نیت گوینده،

جدول ۲. ضرب‌المثل‌های دارای کنش ترغیبی

ردیف	ضرب‌المثل	توصیف نحوه کنش
۱	از امروز کاری به فردا ممان چه دانی که فردا چه گردد زمان. (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۷۶)	نصیحت/دستور: کار امروز را به فردا نینداز.
۲	از خر شیطان پیاده شو(همان: ۸۸).	دستور/نصیحت: از عصبانیت دست بردار.
۳	از ریش پیوند سیبل کردن. (همان: ۹۶)	انتقاد/تذکر: ریاکاری نکن.
۴	از ریش می‌کند و به سیبل پیوند می‌کند(همان: ۹۶)	انتقاد/تذکر: ریاکاری نکن.
۵	اگر بابا بیل زنی باغچه خودت را بیل بز(دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۹۲).	نصیحت: در کار خودت دخالت کن.
۶	اگر دانا بود خصم تو بهتر که با نادان شوی یار و برادر (همان: ۲۱۳)	نصیحت: با دانا باش.
۷	اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش. (همان: ۲۱۵)	نصیحت/شرط: درست پیمان باش.
۸	اگر گفتن سیم است خاموشی زر است. (همان: ۲۲۶)	نصیحت: سکوت کن.
۹	اول کاسه بعد اشکنه؛ - اول عمق آب را بپرس بعد تویش شنا کن. (همان: ۳۱۵)	نصیحت: بااحتیاط عمل کن.
۱۰	گر صبر کنی ز غوره حلوا کنی	نصیحت: استفاد از فرصت.
۱۱	آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند (همان: ۴۸)	نصیحت/نهی: غیبت نکن، ظلم نکن.
۱۲	به کاری که انجام آن ناپدید مبر دست کان رای را کس ندید (همان: ۴۴۹)	نصیحت: کار بیهوده نکن.
۱۳	به کاری که اندر نشاید رسید چرا بیهوده رنج باید کشید (همان: ۴۴۹)	نصیحت: کار بیهوده نکن.
۱۴	به گفتار خوب ار هنر خواستی به کردار پیدا کن آن راستی. (همان: ۴۵۴)	نصیحت/دستور: عمل کن.
۱۵	تا تنور گرم است نان در بند (یا) تا تنور گرم است نان توان بست (یا) باید نان بست(همان: ۵۳).	نصیحت/توصیه: از فرصت استفاده کن.
۱۶	تا توانی دلی به دست آور. (همان: ۵۳۰)	نصیحت/دستور: دل به دست آور.
۱۷	تا ندانی که همسایه به عمارت تلف مکن مایه. (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۳۳۴)	نصیحت: در مورد همسایه خود تحقیق کن.
۱۸	تو به آموختن بلند شوی. (همان: ۵۵۷)	نصیحت/تشویق: بیاموز.
۱۹	جایی بنشین که بر نخیزانند (یا) برنخیزی. (همان: ۵۷۹)	نصیحت/هشدار: جایگاه خود را بشناس.
۲۰	جوان کینه را شاید و جنگ را کهن پیر تدبیر و فرهنگ را.	ظاهر اظهاری، اما هدف آن نصیحت/توصیه است: جوان باید چنین باشد و پیر چنین.

نشریه گنجینه زبان و ادبیات فارسی، دوره چهارم، شماره دوم، سال ۱۴۰۵

۲۱	چاه مکن بهر کسی، اول خودت دویم کسی (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۳۷۹)	نهی/نصیحت: به دیگران ضرر نزن.
۲۲	چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی (همان: ۳۸۰)	نصیحت/توصیه: عاقلانه رفتار کن.
۲۳	چه مکن که خود افتی، بد مکن که بد افتی. (همان: ۶۸۲).	نهی: کار بد نکن.
۲۴	خواهان کسی باش که خواهان تو باشد. (همان: ۷۵۱)	نصیحت: در دوستی متقابل باش.
۲۶	خوبی و زشتی ز ما یادگار بماند، تو جز تخم نیکی مکار (همان: ۷۵۳).	بخش دوم: ترغیبی/دستوری: نیکی کن.
۲۶	در خور قول نکو باید کردنت عمل تو زگفتار ثوابی و به کردار عقاب. (شکورزاده بلوری، ۷۸۷)	نصیحت: به گفته عمل کن.
۲۷	درشتی زکس نشنود نرم گوی (همان: ۷۹۱).	نصیحت: نرم خو باش.
۲۸	دست از پا درازتر. (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۵۲۲)	هشدار غیرمستقیم: حد خود را بشناس.
۲۹	دستت چرب است به مال به سرت. (اندقانی، ۱۳۸۲: ۱۶۸)	نصیحت/دستور: از نعمتی که داری استفاده کن
۳۰	رفتم شهر کورها دیدم همه کور، من هم کور (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۵۷۲)	نصیحت: در دوستی وفادار باش
۳۱	دوستان در زندان به کار آیند که بر سفره دشمنان هم دوست نمایند. (همان: ۸۳۶)	نصیحت: دوستان واقعی را بشناس
۳۲	دوست اول وفالی اول. (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۵۴۴)	نصیحت/دستور غیرمستقیم: همزنگ جماعت شو
۳۳	زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم (سعدی، ۱۳۸۴: ۵۳)	نصیحت: بر زبان خود مسلط باش.
۳۴	زبان سرخ سر سبز میدهد بر باد. (همان: ۸۹۳)	هشدار غیرمستقیم: مراقب زبانت باش.
۳۵	سخن آن گو چه با دشمن چه با دوست که هر کو بشنود گوید که نیکوست. (همان: ۹۵۰)	نصیحت: سخن نیکو بگو.
۳۶	سخن بسیار دانی، اندکی گوی (همان: ۹۵۱).	نصیحت: کم حرف بزن.
۳۷	سخن تا نگویی توانیش گفت ولی گفته را باز نتوان نهفت (همان: ۹۵۲).	نصیحت/هشدار: در سخن گفتن احتیاط کن.
۳۸	سخن دان پرورده پیر کهن ببیندیشد آنگاه گوید سخن. (همان: ۹۵۳)	نصیحت غیرمستقیم: با فکر حرف بزن.
۳۹	سخن کم گوی و نیکو گوی در کار که از بسیار گفتن مرد شد خوار. (همان: ۹۵۵)	نصیحت: کم حرف بزن و درست حرف بزن.
۴۰	عجله کار شیطان است.	نصیحت/نهی: عجله نکن.
۴۱	علاج واقعه را پیش از وقوع باید کرد. (همان: ۱۱۰۸)	نصیحت/توصیه: پیشگیری کن.
۴۲	فتنه در خواب است بیدارش مکن.	نهی: فتنه به پا نکن.
۴۳	کاری که به کار توست زنهار مکن. (همان: ۱۱۸۳)	نصیحت/نهی: در کاری که به تو مربوط نیست دخالت نکن.
۴۴	کاری که به کار توست مسپار راهی که نه راه توست مسپر. (همان: ۱۱۸۳)	همانند بالا.
۴۵	کرد پیش آر و گفت کوتاه کن. (همان: ۱۱۹۹)	نصیحت/دستور: عمل کن و کم حرف بزن.
۴۶	گز نکرده پاره کردن (دهخدا، ۱۳۷۰: ج ۱/ ۱۲۸۰)	نصیحت غیرمستقیم: عجزول نباش.
۴۷	مبالغه اصل مطلب را هم از میان می برد. (همان: ۱۳۹۷)	نصیحت: مبالغه نکن.
۴۸	مجوی آنچه آرد سرانجام بیم مکش پای از اندازه بیش از گلیم	این صریحاً نهی/نصیحت است.
۴۹	محکم آغاز هر چه آغازی (همان: ۱۵۰۴).	دستور/نصیحت: محکم شروع کن.
۵۰	مرد خاموش در امان خداست/آدمی از زبان خود به بلاست (همان: ج ۳/ ۷۸۱)	نصیحت: مواظب زبانت باش.
۵۱	مردن به عزت به که زندگی به مذلت. (همان: ۱۵۲۲)	نصیحت/ترغیب: عزت نفس داشته باش).
۵۲	مکن انگشت در سوراخ کزدم	نهی: خطر نکن.
۵۳	هر بدی را توانی به دشمن مرسان باشد که روزی دوست شود	این صریحاً نهی/نصیحت است.
۵۴	هر چه بر نفس خویش نپسندی نیز بر نفس دیگران مپسند. (همان: ج ۲/ ۱۰۴۴)	نصیحت/نهی: غیبت نکن، ظلم نکن.
۵۵	هر که با رسوا نشیند عاقبت رسوا شود	هشدار غیرمستقیم: با آدم بد همنشینی نکن.

کنش‌های تعهدی

در این بخش به بررسی کنش‌های گفتاری تعهدی در مجموعه ضرب‌المثل‌های فارسی مورد مطالعه می‌پردازیم. کنش‌های تعهدی، بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل، به افعال گفتاری اطلاق می‌شوند که گوینده از طریق آن‌ها، خود را به انجام عملی در آینده متعهد می‌سازد. این دسته از کنش‌ها شامل قول دادن، سوگند خوردن، عهد بستن، ضمانت کردن و هرگونه عملی است که گوینده با بیان آن، مسئولیت انجام یک رفتار آتی را بر عهده می‌گیرد.

تحلیل ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی در این پژوهش نشان داد که کنش‌های تعهدی با تنها (۵) مورد (معادل ۱/۶۷ درصد از کل نمونه‌ها)، کمترین فراوانی را در میان دسته‌های کنش‌های گفتاری (به جز اعلامی‌ها) به خود اختصاص داده‌اند. این یافته، نکته‌ای حائز اهمیت در درک ماهیت و کارکرد ضرب‌المثل‌ها است. ماهیت عمومی و غیرشخصی ضرب‌المثل‌ها، که بیشتر برای بیان حقایق کلی، نصایح جمعی یا توصیف پدیده‌ها به کار می‌روند، با کارکرد فردی و مسئولیت‌آور کنش‌های تعهدی کمتر همخوانی دارد. در واقع، ضرب‌المثل‌ها اغلب به توصیف ارزش یا پیامدهای «تعهد» و «وفای به عهد» می‌پردازند، نه اینکه خود، ابزاری برای «ایجاد تعهد» از جانب گوینده باشند.

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، ضرب‌المثل‌ها به ندرت به طور مستقیم به عنوان ابزاری برای ایجاد تعهد شخصی از سوی گوینده به کار می‌روند. با این حال، برخی از آن‌ها می‌توانند به صورت غیرمستقیم، به تعهدات اخلاقی، اجتماعی یا طبیعی اشاره کرده یا مخاطب را به پایبندی به عهد و پیمان فرا خوانند. پنج ضرب‌المثل زیر با این رویکرد تحلیل می‌شوند:

۱. «قول مرد، قول است.» این ضرب‌المثل در نگاه اول یک کنش اظهاری به نظر می‌رسد، زیرا یک حقیقت یا اصل اخلاقی پذیرفته‌شده را بیان می‌کند؛ اینکه قول افراد معتبر و دارای شرافت

باید محترم شمرده شود. با این حال، در بافت گفتاری، این ضرب‌المثل می‌تواند کارکرد تعهدی غیرمستقیم پیدا کند. وقتی گوینده‌ای این ضرب‌المثل را بیان می‌کند، به صورت ضمنی خود را به این اصل متعهد نشان می‌دهد که قول او نیز اعتبار دارد و به آن پایبند خواهد بود. همچنین، این گزاره می‌تواند انتظاری از تعهد را در مخاطب ایجاد کند یا به او یادآور شود که قولی که داده، یک تعهد جدی است. بنابراین، با وجود ساختار اظهاری، نیت پنهان آن، تقویت و ترویج فرهنگ پایبندی به تعهد است که به نوعی، الزام‌آور بودن تعهدات را گوشزد می‌کند.

۲. «خلف وعده، کار مرد نیست.» این ضرب‌المثل نیز، مانند مورد قبل، دارای جنبه اظهاری قوی است که حقیقت زشتی و ناپسندی خلف وعده را بیان می‌کند. با این حال، در زمینه کنش‌های تعهدی، می‌توان آن را به عنوان یک ابزار برای ایجاد یا تأکید بر تعهد اخلاقی در نظر گرفت. هنگامی که گوینده‌ای این جمله را به کار می‌برد، تلویحاً خود را متعهد به عدم خلف وعده می‌داند و این پیام را منتقل می‌کند که پایبندی به قول و قرار، نشانه مردانگی و شرافت است. این ضرب‌المثل به مخاطب نیز یادآور می‌شود که شکستن عهد، عملی دون شأن و خلاف اصول اخلاقی است و به نوعی، الزام وفای به عهد را به او یادآوری می‌کند.

۳. «گفته را زیر قول خود نمی‌گذارند.» این ضرب‌المثل به وضوح بر اهمیت و الزام‌آور بودن کلام و قول تأکید دارد. این گزاره یک حقیقت اجتماعی را بیان می‌کند که افراد باید به گفته‌های خود پایبند باشند. کارکرد تعهدی غیرمستقیم آن در این است که با بیان این اصل، گوینده تلویحاً متعهد می‌شود که خودش نیز گفته‌های خود را نقض نکند و به قول خود وفادار بماند. همچنین، می‌تواند در مقام یک هشدار یا یادآوری به مخاطب عمل کند که کلام او، به منزله یک تعهد است و نباید آن را نادیده گرفت. این ضرب‌المثل به مفهوم اعتبار کلام و پایبندی به عهد می‌پردازد و آن را به صورت یک اصل غیرقابل انکار مطرح می‌کند.

بررسی ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی در این پژوهش نشان داد که ۲۹ مورد (معادل ۹/۶۷) درصد از کل نمونه‌ها در دسته کنش‌های عاطفی قرار گرفتند. اگرچه این فراوانی نسبت به کنش‌های اظهاری و ترغیبی کمتر است، اما نشان می‌دهد که ضرب‌المثل‌ها، علاوه بر کارکرد توصیفی و جهت‌دهنده، ابزاری مهم برای بیان احساسات و مواضع درونی گوینده نیز محسوب می‌شوند. ضرب‌المثل‌های عاطفی اغلب به صورت غیرمستقیم، با استفاده از استعارات یا تشبیهات، عواطف و نگرش‌های گوینده را نسبت به یک واقعیت یا رفتار خاص بازتاب می‌دهند و به این طریق، همدردی، سرزنش، یا حتی سرخوردگی را منتقل می‌کنند.

در ادامه این بخش، با انتخاب و تحلیل ۱۰ مورد از برجسته‌ترین ضرب‌المثل‌های عاطفی، به واکاوی چگونگی بیان احساسات و حالت‌های روانی از طریق این الگوهای زبانی خواهیم پرداخت. کنش‌های عاطفی در ضرب‌المثل‌ها اغلب به صورت غیرمستقیم، با توصیف یک وضعیت یا بیان یک حقیقت تلخ، حالت روانی گوینده را بازتاب می‌دهند. در ادامه ۱۰ ضرب‌المثل منتخب از این دسته تحلیل می‌شوند:

۱. «خود کرده را تدبیر نیست.» این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز تأسف و پشیمانی (و گاه سرزنش خود یا دیگری) را نسبت به پیامدهای اجتناب‌ناپذیر اعمال گذشته‌ای که با بی‌تدبیری انجام شده‌اند، نشان می‌دهد. اگرچه جمله ساختار اظهاری دارد (بیان یک حقیقت)، اما نیت اصلی گوینده از بیان آن، صرفاً گزارش یک واقعیت نیست؛ بلکه انتقال حس ناامیدی از امکان جبران گذشته و تلخی پذیرش عواقب است. این گزاره، حس «کاش این کار را نمی‌کردم» یا «حالا دیگر کاری نمی‌توان کرد» را به مخاطب منتقل می‌کند.

۲. «هر چه پیش آید خوش آید.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز خوش‌بینی، بی‌تفاوتی مثبت یا پذیرش توأم با آرامش نسبت به سرنوشت و آینده‌ای نامعلوم را نشان می‌دهد.

۴. «هر که خربزه می‌خورد، پای لرزش هم می‌نشیند.» این ضرب‌المثل عمدتاً یک کنش اظهاری است که یک رابطه علت و معلولی را بیان می‌کند: هر عملی، پیامدهای خاص خود را دارد. با این حال، می‌توان آن را به صورت بسیار غیرمستقیم و اخلاقی در دسته کنش‌های تعهدی قرار داد؛ زیرا این ضرب‌المثل به نوعی، تعهد به پذیرش مسئولیت پیامدهای اعمال را گوشزد می‌کند. گوینده با بیان این جمله، تلویحاً به خود یا مخاطب یادآور می‌شود که وقتی تصمیمی گرفته می‌شود (خربزه خوردن)، فرد متعهد به قبول نتایج و عواقب آن (پای لرزش نشستن) نیز هست. این یک تعهد ضمنی به مسئولیت‌پذیری را القا می‌کند.

۵. «هر که باد بکارد، طوفان درو می‌کند.» این ضرب‌المثل نیز در درجه اول یک کنش اظهاری است که یک حقیقت کلی درباره چرخه علت و معلول را بیان می‌کند؛ اعمال نیک یا بد، نتایج متناسب با خود را به دنبال دارند. با این حال، کارکرد تعهدی غیرمستقیم آن در این است که به نوعی، فرد را متعهد به پذیرش پیامدهای قطعی اعمالش می‌سازد. گوینده با بیان این ضرب‌المثل، تلویحاً به خود یا مخاطب یادآور می‌شود که در برابر آنچه می‌کارد، متعهد به دروی آن نیز هست. این یک تعهد اخلاقی و کیهانی به قانون عدالت و بازگشت اعمال را برجسته می‌کند و افراد را به انتخاب مسئولانه اعمالشان فرا می‌خواند.

کنش‌های عاطفی

این بخش به تحلیل کنش‌های گفتاری عاطفی در مجموعه ضرب‌المثل‌های فارسی مورد مطالعه می‌پردازد. کنش‌های عاطفی، بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل، به افعال گفتاری گفته می‌شوند که گوینده از طریق آن‌ها، حالت روانی یا احساسات خود را نسبت به یک وضعیت، رویداد، یا شخص ابراز می‌کند. این دسته شامل بیان احساساتی چون خوشحالی، تأسف، عصبانیت، نگرانی، قدردانی، سرزنش، تحسین، همدلی، یا حتی طنز تلخ است.

۶. «آفتاب عمرش لب بام است.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز نگرانی یا تأسف (و گاه پذیرش غمگینانه) از نزدیک شدن مرگ، پایان عمر یا افول یک دوره زندگی را نشان می‌دهد. گوینده با این تشبیه، نه فقط یک واقعیت (کهولت سن) را توصیف می‌کند، بلکه احساسات درونی خود را نسبت به فناپذیری و نزدیک شدن به پایان یک عمر یا یک دوره پررونق، بیان می‌کند. این گزاره، حسی از دلتنگی، اندوه یا نگرانی را منتقل می‌سازد.

۷. «آدمی از غم نمرده، از بی‌دردی مرده.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز تأسف، انتقاد یا سرزنش نسبت به بی‌تفاوتی، بی‌همدلی و عدم توجه به رنج دیگران را نشان می‌دهد. گوینده با بیان این جمله، احساس ناخوشایند خود را نسبت به غیاب همدردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ابراز می‌کند و تلویحاً بی‌تفاوتی را حتی مرگ‌بارتر از خود غم می‌داند. این گزاره، حس دلخوری و گله‌مندی گوینده را از یک وضعیت اجتماعی بازتاب می‌دهد.

۸. «پشت دست را داغ کردن.» (همان: ۳۰۵) این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز پشیمانی شدید و عزم راسخ برای عدم تکرار یک اشتباه در آینده را نشان می‌دهد. اگرچه این یک عمل استعاری است، اما بیان آن گویای یک حالت روانی قوی است؛ گوینده نه تنها از یک اشتباه گذشته ابراز تأسف می‌کند، بلکه با این جمله، شدت اراده و عزم خود را برای پرهیز از تکرار آن ابراز می‌دارد. این گزاره، حس ندامت عمیق و درس گرفتن از تجربه تلخ را منتقل می‌سازد.

۹. «شتر دیدی، ندیدی.» (23). این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز تمایل به پنهان کردن، فراموشی یا بی‌اهمیت جلوه دادن یک چیز (معمولاً مشکل‌ساز یا شرم‌آور) را نشان می‌دهد. اگرچه این جمله دارای یک بار دستوری غیرمستقیم است، اما نیت اصلی گوینده از بیان آن، انتقال حس اضطراب، شرم یا تمایل به اجتناب از مواجهه با یک واقعیت ناخوشایند است. این گزاره،

گوینده با این جمله، حالت روانی خود را که شامل عدم نگرانی شدید در مورد آینده و آمادگی برای پذیرش هر اتفاقی است، بیان می‌کند. این جمله مستقیماً احساس «خوشحالی» را گزارش نمی‌کند، اما حالتی از رضایت درونی و امیدواری را منتقل می‌کند که از ماهیت کنش‌های عاطفی است.

۳. «دل که پاک است، زبان بی‌باک است.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز غرور، تأیید خود، یا ستایش صداقت و شجاعت را نشان می‌دهد. گوینده با بیان این جمله، تلویحاً به خود یا دیگری افتخار می‌کند که به دلیل پاک‌نیت، ترسی از بیان حقیقت ندارد. این گزاره نه صرفاً یک توصیف از رابطه دل و زبان است، بلکه بیان‌کننده احساس افتخار به این ویژگی و تأیید ارزش آن در جامعه است.

۴. «نان کسی خورد، دندان کس دیگر درد گرفت.» (23). این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز تأسف، شکایت، یا تعجب توأم با ناراحتی از بی‌عدالتی، نابرابری یا پیامدهای غیرمنطقی یک اتفاق را نشان می‌دهد. گوینده با بیان این جمله، احساس ناخوشایند خود را نسبت به وضعیتی که در آن یک نفر از چیزی بهره‌مند شده و فردی دیگر ناچار به تحمل رنج یا پیامدهای منفی آن است، ابراز می‌کند. این گزاره، حس نقیض و ناراحتی از عدم تناسب میان عمل و نتیجه را منتقل می‌کند.

۵. «آب خوش از گلوی فلانی پایین نمی‌رود.» (23) این ضرب‌المثل یک کنش عاطفی است که ابراز نارضایتی، نگرانی، یا تأسف توأم با همدلی از وضعیت ناگوار و نامساعد یک فرد را نشان می‌دهد. گوینده با این جمله، نه فقط یک وضعیت فیزیکی (عدم توانایی در خوردن) را گزارش می‌کند، بلکه حس دغدغه و ناراحتی خود را نسبت به رنج کشیدن دیگری یا عدم آرامش او بیان می‌کند. این گزاره، احساس همدلی و غمگساری گوینده را منعکس می‌سازد.

با بیان این جمله، احساس انزجار و ناپسندی خود را نسبت به رفتار مزورانه و حسادت‌آمیز ابراز می‌کند. این گزاره، حالتی از تمسخر و نیشخند به ضعف‌های شخصیتی دیگران را منتقل می‌سازد و احساسات گوینده را در قبال چنین رفتاری بازتاب می‌دهد. در ادامه لیست کامل ۱۹ مورد باقیمانده از ضرب‌المثل‌های عاطفی شناسایی شده، در قالب جدول ارائه می‌شود.

جدول ۳. ضرب‌المثل‌های دارای کنش عاطفی

ردیف	ضرب‌المثل	توصیف نحوه کنش
۱	دیدی گفتم؟	ابراز غرور، تأیید خود یا حق با من بود (گرچه بیشتر اظهاری است، اما می‌تواند عاطفه از خود راضی بودن را هم بیان کند).
۲	از این ستون به آن ستون فرج است (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۷۸)	ابراز امیدواری و دلداری در شرایط سخت.
۳	هر چه خدا خواست همان می‌شود (همان: ۹۸۶)	ابراز تسلیم، رضایت یا پذیرش تقدیر.
۴	آتش چو برفروخت بسوزد تر و خشک (همان: ۱۱).	ابراز تأسف یا ناراحتی از پیامدهای فراگیر یک فاجعه که بی‌گناهان را هم دربر می‌گیرد.
۵	این دغل دوستان که می‌بینی، مگس‌اند گرد شیرینی (همان: ۱۷۷)	ابراز ناامیدی، تلخی یا انتقاد از دوستان دروغین.
۶	یکی نان جو نداشت، یکی نان گندم هم نداشت	ابراز تأسف یا همدلی با وضعیت فقر و ناداری.
۷	دل به دل راه دارد. (همان: ۵۳۱)	ابراز احساس نزدیکی، همدلی یا اطمینان از متقابل بودن احساسات.
۸	کار از محکم‌کاری عیب نمی‌کند. (همان: ۷۶۵)	ابراز تأیید و رضایت از دقت و احتیاط.
۹	کج‌دار و مریز (همان: ۷۸۰)	ابراز نگرانی از یک وضعیت حساس و توصیه به احتیاط (حسی از اضطراب یا نگرانی را منتقل می‌کند).
۱۰	با یک گل بهار نمی‌شود (همان: ۲۰۹)	ابراز بدبینی یا واقع‌بینی نسبت به تأثیر اندک یک چیز بر کلیت.
۱۱	در ناامیدی بسی امید است / پایان شب سیه سپید است.	ابراز امیدواری، دلداری و تشویق به صبوری.
۱۲	از دنده چپ بلند شدن	توصیف یا ابراز نارضایتی از حالت روحی بد کسی.
۱۳	غمیاد گرفتن. (همان: ۷۳۳)	توصیف یا ابراز نگرانی از ناراحتی‌های فروخورده و تأثیر آن.
۱۴	عاقبت گرگ زاده، گرگ شود (همان: ۷۱۲)	ابراز ناامیدی یا بدبینی نسبت به تغییر سرشت بد افراد.
۱۵	دل به دریا زدن	توصیف یا ابراز شجاعت و خطرپذیری.
۱۶	مرگ خوب است، اما برای همسایه	ابراز انتقاد، طعنه یا ناپسندی نسبت به رفتار فرصت‌طلبانه.
۱۷	کارد به استخوان رسیدن (همان: ۷۶۸)	ابراز نهایت فشار، سختی یا به ستوه آمدن.
۱۸	پشیمانی چه سود آخر چو در اول خطا کردی (همان: ۳۰۶)	ابراز تأسف یا یاس از جبران گذشته.
۱۹	نان به نرخ روز خوردن (همان: ۹۳۰)	ابراز طنز تلخ یا خودخواهی پنهان.

با بیان آن‌ها، واقعیت بیرونی یا وضعیت اجتماعی دگرگون می‌شود. تحقق این نوع کنش‌ها نیازمند آن است که گوینده از قدرت و اختیار نهادی ویژه‌ای برخوردار باشد تا گفتار او بتواند وضعیت اجتماعی یا نهادی را تغییر دهد؛ برای نمونه، قاضی با گفتن «شما

کنش‌های اعلامی

این بخش از پژوهش به بررسی کنش‌های گفتاری اعلامی در مجموعه ضرب‌المثل‌های فارسی می‌پردازد. کنش‌های اعلامی، بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل، به افعالی اطلاق می‌شوند که

ایجاد تغییرات اجتماعی‌اند. همچنین، ضرب‌المثل‌ها توانایی تغییر مستقیم وضعیت‌های اجتماعی یا نهادی را ندارند و بیشتر در نقش توصیف‌کننده واقعیت‌ها، ارائه‌دهنده نصیحت‌ها و هشدارها یا بیان‌کننده احساسات ظاهر می‌شوند. کارکرد اصلی آن‌ها بازتاب‌دادن ارزش‌ها، هنجارها و واقعیت‌های پذیرفته‌شده فرهنگی است، نه خلق واقعیت جدید. بنابراین این نتیجه به روشنی نشان می‌دهد که ضرب‌المثل‌های فارسی ابزار ایجاد دگرگونی‌های نهادی نیستند، بلکه بیشتر همچون گنجینه‌ای از حکمت عملی، رهنمودهای اخلاقی و تجربه‌های جمعی عمل می‌کنند. در ادامه یافته‌های این پژوهش به صورت کلی به شرح زیر بیان می‌گردد:

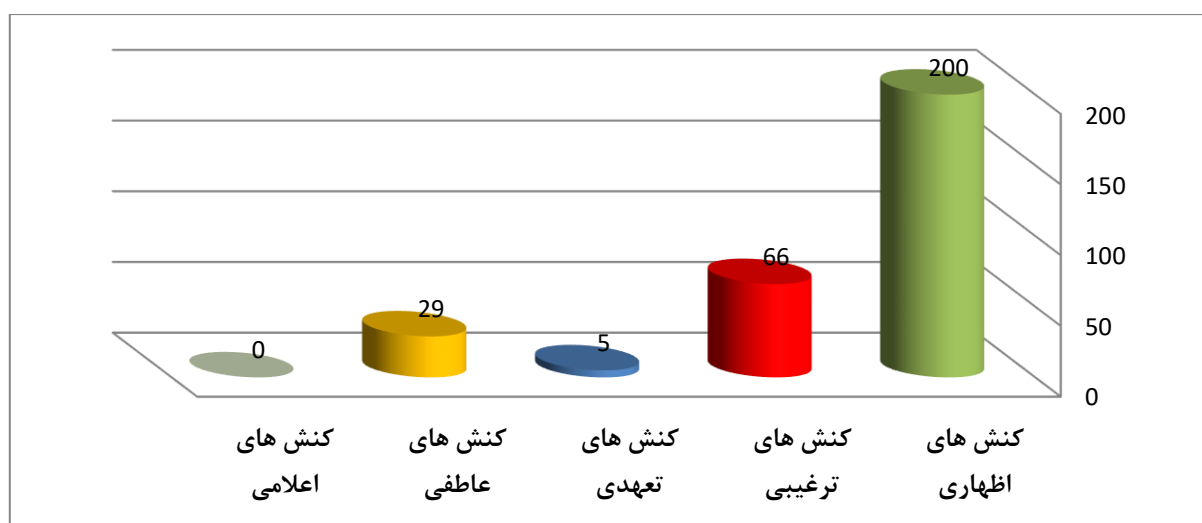
را گناهکار می‌دانم» وضعیت حقوقی متهم را تغییر می‌دهد، یا یک مسئول با گفتن «این جلسه را به پایان می‌رسانم» وضعیت جلسه را از «در حال برگزاری» به «پایان‌یافته» تبدیل می‌کند. تحلیل ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی در این پژوهش نشان داد که هیچ‌یک از آن‌ها (۰ درصد) در دسته کنش‌های اعلامی قرار نمی‌گیرند. این یافته که بیانگر نبود کامل این نوع کنش‌ها در نمونه مورد بررسی است، نقش مهمی در درک ماهیت و کارکرد ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ فارسی دارد. عدم حضور کنش‌های اعلامی در ضرب‌المثل‌ها را می‌توان با ماهیت عمومی و بی‌مرجعیت آن‌ها توضیح داد؛ چرا که ضرب‌المثل‌ها گفته‌هایی مردمی و فاقد اختیار نهادی لازم برای

جدول ۴. انواع کنش در ضرب‌المثل‌های فارسی بر اساس نظریه گفتاری سرل

کنش‌های گفتاری	تعداد	فراوانی (درصد)
کنش اظهاری	۲۰۰	۶۶/۶۷
کنش ترغیبی	۶۶	۲۲
کنش تعهدی	۵	۱/۶۷
کنش عاطفی	۲۹	۹/۶۷
کنش اعلامی	۰	۰
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰

نمودار فراوانی کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه سرل در ضرب-

المثل‌های فارسی در زیر نشان داده می‌شود:



شکل ۱. بسامد کنش‌های گفتاری ضرب‌المثل‌های فارسی

نتیجه‌گیری

خوش‌بینی، غرور، نگرانی یا انتقاد را منتقل می‌سازند. در مقابل، کنش‌های تعهدی (۵ مورد) و به‌ویژه کنش‌های اعلامی (۰ مورد)، کمترین یا هیچ سهمی را در میان ضرب‌المثل‌های بررسی شده به خود اختصاص ندادند. کمیاب بودن کنش‌های تعهدی، بر ماهیت عمومی و غیرشخصی ضرب‌المثل‌ها تأکید می‌کند که کمتر به ایجاد تعهدات فردی می‌پردازند و بیشتر به اصول اخلاقی مربوط به عهد و پیمان اشاره دارند. فقدان کامل کنش‌های اعلامی نیز، به وضوح نشان می‌دهد که ضرب‌المثل‌ها فاقد قدرت نهادی لازم برای تغییر مستقیم واقعیت‌های اجتماعی یا نهادی از طریق گفتار هستند و کارکرد آن‌ها بیشتر بازتابی است تا مولد.

در مجموع، این پژوهش تأیید می‌کند که ضرب‌المثل‌های فارسی به عنوان ساختارهای زبانی غنی و پرکاربرد، بیش از هر چیز، در خدمت توصیف و گزارش حقایق (اظهاری) و هدایت و تربیت رفتاری (ترغیبی) هستند. این یافته‌ها، نه تنها درک عمیق‌تری از ابعاد ارتباطی ضرب‌المثل‌ها ارائه می‌دهند، بلکه می‌تواند مبنایی برای مطالعات آتی در زمینه زبان‌شناسی، فرهنگ‌شناسی و تحلیل گفتمان در زبان فارسی باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Persian proverbs constitute a condensed yet highly productive linguistic reservoir through which collective experience, moral judgment, and cultural norms are transmitted across generations. Beyond their literary and folkloric value, proverbs function as pragmatic instruments in everyday communication, enabling speakers to perform actions such as

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و دسته‌بندی ۳۰۰ ضرب‌المثل فارسی بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل، به بررسی کارکردهای ارتباطی غالب در این گنجینه زبانی فرهنگ ایرانی پرداخت. نتایج حاصل از این مطالعه، تصویر روشنی از سهم هر یک از کنش‌های گفتاری (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) در ساختار و معنای ضرب‌المثل‌های فارسی ارائه می‌دهد. یافته‌های کمی تحقیق به وضوح نشان داد که کنش‌های اظهاری (۲۰۰ مورد) با بیشترین فراوانی، نقش محوری در ضرب‌المثل‌های فارسی ایفا می‌کنند. این کنش‌ها، عمدتاً به بیان حقایق کلی، توصیف پدیده‌ها، گزارش واقعیت‌های اجتماعی و طبیعی، و تثبیت دانش و باورهای جمعی می‌پردازند. غلبه این دسته، نشان‌دهنده کارکرد اصلی ضرب‌المثل‌ها به عنوان ابزاری برای انتقال خرد عمومی و توصیف جهان پیرامون است. در رتبه بعدی، کنش‌های ترغیبی (۶۶ مورد) قرار گرفتند که بر نقش مهم ضرب‌المثل‌ها در شکل‌دهی به رفتارها و جهت‌دهی به افکار تأکید دارند. این کنش‌ها، غالباً به صورت غیرمستقیم، مخاطب را به انجام اعمال مطلوب یا پرهیز از رفتارهای نامناسب ترغیب می‌کنند و بدین ترتیب، به انتقال هنجارها، اخلاقیات و حکمت عملی در جامعه کمک می‌کنند. کنش‌های عاطفی (۲۹ مورد) نیز، اگرچه با فراوانی کمتر، نشان دادند که ضرب‌المثل‌ها ابزاری برای بازتاب حالت‌های روانی و احساسات درونی گوینده هستند. این کنش‌ها، اغلب از طریق استعاره‌ها و توصیفات غیرمستقیم، احساساتی چون تأسف، advising, warning, evaluating, legitimizing, or emotionally positioning themselves within an interaction. Modern linguistics, particularly pragmatics, has emphasized that language is not merely a vehicle for describing reality but a means of performing socially meaningful actions. Within this framework, speech act theory provides a powerful analytical lens for uncovering the functional intentions

embedded in fixed expressions such as proverbs. Drawing on the theoretical foundations of pragmatics and the speech act framework developed by Austin and systematized by Searle, this study addresses a notable gap in Persian linguistics by offering a comprehensive qualitative–quantitative analysis of Persian proverbs according to Searle’s fivefold taxonomy of speech acts: assertive, directive, commissive, expressive, and declarative. While previous research has examined proverbs from stylistic, semantic, cultural, or comparative perspectives, systematic attention to their speech-act functions in Persian remains limited. The present research therefore seeks to answer a central question: when Persian speakers employ proverbs that often appear grammatically declarative, what kinds of communicative actions are they in fact performing, and which categories of speech acts dominate this proverbial discourse (1, 2, 4).

Methodologically, the study adopts a mixed qualitative–quantitative design grounded in content analysis. The corpus consists of 300 Persian proverbs selected through purposive sampling from authoritative and widely cited sources of Persian paremiology, including classical and modern proverb collections. The selection criterion emphasized thematic diversity and frequent usage in spoken and written discourse, ensuring that the sample adequately reflects the pragmatic range of Persian proverbs. Each proverb was extracted

through systematic note-taking and subsequently analyzed within its culturally conventionalized context of use. Operational definitions of Searle’s five speech-act categories were adapted to the sociocultural and linguistic realities of Persian, allowing for consistent classification. Every proverb was assigned to a single dominant speech-act category based on the primary communicative intention typically realized in interaction, thus avoiding overlap and ensuring analytical clarity. Quantitative analysis involved calculating absolute and percentage frequencies of each category, while qualitative analysis focused on representative examples to illustrate how specific proverbs realize particular illocutionary forces. This dual approach makes it possible to combine statistical generalization with interpretive depth, capturing both the distributional patterns and the pragmatic mechanisms underlying proverb usage (3, 11).

The findings reveal a highly uneven distribution of speech-act types across the corpus, reflecting the dominant communicative functions of Persian proverbs. Assertive speech acts overwhelmingly predominate, accounting for approximately two-thirds of the sample. These proverbs function primarily to state general truths, describe recurrent social realities, articulate moral axioms, or present causal relations derived from collective experience. Through assertive proverbs, speakers position themselves as conveyors of shared wisdom and appeal to socially

validated knowledge rather than personal opinion. This dominance suggests that Persian proverbs are fundamentally epistemic tools, reinforcing a worldview grounded in observation, experience, and culturally sanctioned judgment. Directive speech acts constitute the second most frequent category, forming slightly more than one-fifth of the corpus. Although many of these proverbs are grammatically declarative, their pragmatic force lies in advising, warning, recommending, or discouraging particular behaviors. Their indirectness enhances their persuasive power, allowing speakers to guide others' actions without issuing explicit commands. Expressive speech acts occur with noticeably lower frequency, reflecting the relatively restrained role of overt emotional expression in proverbial discourse. When present, expressive proverbs convey emotions such as regret, irony, admiration, or reproach, often serving evaluative or face-managing functions in interaction (23, 24).

A particularly significant result concerns the marginal presence of commissive speech acts and the complete absence of declarative speech acts. Commissive proverbs, which would entail the speaker's commitment to a future action, appear only sporadically and usually in an abstract or ethical sense rather than as genuine performatives. This scarcity underscores the fundamentally non-personal nature of proverbs: they are designed to generalize experience rather than bind individual speakers to obligations. Even more

revealing is the total absence of declarative speech acts, which in Searle's framework require institutional authority and have the power to alter social reality directly. Persian proverbs, by their very nature, lack such authority; they comment on reality rather than create it. This finding confirms that proverbs operate outside formal institutional contexts and derive their force from cultural legitimacy rather than juridical or organizational power. The distributional pattern thus reflects a communicative economy in which describing, evaluating, and guiding behavior are prioritized over committing and instituting change (4, 22).

From a theoretical perspective, the study demonstrates the analytical value of speech act theory for proverb analysis and contributes to pragmatics by illustrating how fixed expressions can systematically perform illocutionary acts despite lacking explicit performative markers. The results support the view that context, shared cultural knowledge, and conventionalized usage are decisive in determining illocutionary force. Persian proverbs exemplify indirect speech acts par excellence: their grammatical form often masks their pragmatic intention, requiring interlocutors to rely on inference and cultural competence. Moreover, the predominance of assertive and directive acts aligns with broader sociocultural patterns in Persian-speaking communities, where moral instruction and experiential knowledge are commonly transmitted through implicit, non-

confrontational means. By integrating quantitative frequency analysis with qualitative interpretation, the study advances a more nuanced understanding of how pragmatic functions are distributed across a traditional genre of language and how that distribution reflects deeper cultural orientations toward communication, authority, and social interaction (8, 13, 14).

In conclusion, this study provides a comprehensive pragmatic account of Persian proverbs within the framework of Searle's speech act theory, demonstrating that these concise expressions function predominantly as assertive and directive acts while rarely serving commissive purposes and never operating as declaratives. The findings highlight the descriptive and guidance-oriented character of proverbial discourse in Persian and underscore the importance of indirectness, shared knowledge, and cultural convention in shaping communicative action. By systematically mapping speech-act categories onto a substantial proverb corpus, the research contributes both to Persian linguistics and to the broader field of applied pragmatics, offering a model that can be extended to other languages and cultural traditions.

References

1. Khayyerabadi R, Sameni S. Foundations of Linguistics. Tehran: Farhang; 2016.
2. Rash Ahmadi R, Shahmoradi E. Educational and Moral Kurdish Proverbs. Journal of Iranian Folk Culture. 2007(10).

3. Kazemi F. An Inquiry into Nahj al-Balagha from the Linguistic Perspective of Speech Act Theory. Sahifeh Mobin. 2015;20(55):7-38.
4. Kazemi F, Jamshidi S. Speech Act Theory in Persian and English. 1st ed. Tehran: Dastan; 2016.
5. Sharifrad A. An Intercultural Comparative Study on Persian and American Embodiment Proverbs Including Double Sensory Organs. Proverbium. 2024;41(1):73-100.
6. Okotori EB. A Pragmatic Analysis of Selected Kolokuma Proverbs. GPH-International Journal of Educational Research. 2022;5(09):32-8.
7. Makoy JL. A Pragmatic Analysis of the Speech Act of Advice in Yaka Proverbs. International Journal of Linguistics & Communication. 2022;10(1):1-12.
8. Klégr A. Proverbs as Speech Acts in English and Czech. Acta Universitatis Carolinae - Philologica. 2013;3:7-29.
9. Ashipu KBC, Amende C. Proverbs as Circumstantial Speech Acts. Research on Humanities and Social Sciences. 2013;3(7).
10. Sharifi S, Ebrahimi S. Assessing Speech Acts of Curses and Prayers in Persian. Theory and Practice in Language Studies. 2012;2(9):1911-6.
11. Aghagolzadeh F. Critical Discourse Analysis: The Evolution of Discourse Analysis in Linguistics. Tehran: Elmi va Farhangi; 2006.
12. Sajedi A. History of Kurdish Literature. 1st ed. Sardasht: Ma'arif; 2002.
13. Hosseini Masoum M, Radmard A. The Impact of Spatio-Temporal Context on Speech Act Analysis: A Frequency Comparison of Speech Acts in Meccan and Medinan Surahs of the Holy Quran. Language Related Research (Jostārhā-ye Zabānī). 2015;6(3):65-92.
14. Namdari I, Ebadi Z. Discourse Analysis of Glad Tidings (Bisharat) in the Quran. Linguistic Researches of the Holy Quran. 2017;6(2):217-36.
15. Najafi Ivaki A, Rasulnia AH, Kaveh Noshabadi A. Textological Analysis of the Shiqshiqiyya Sermon Based on Searle's Speech Act Theory. Research Journal of Nahj al-Balagha. 2017;5(19):1-17.
16. Abbasi M. A Study of Speech Acts in the Translation of the 30th Part of the Holy Quran Based on the Theories of Austin (1962) and Searle (1969): University of Sistan and Baluchestan; 2013.
17. Safavi K. An Introduction to Semantics. 1st ed. Tehran: Islamic Propagation Organization; 2000.
18. Safavi K. Applied Semantics. Tehran: Hamshahri; 2003.

19. Lotfipour K. An Introduction to Discourse Analysis. *Journal of Linguistics*. 1993;9:9-40.
20. Baj R. Investigation of Imperative Acts in the Ayat al-Ahkam of the Holy Quran Based on Austin (1962) and Searle (1979) Speech Act Theories: University of Sistan and Baluchestan; 2017.
21. Ramezanzadeh M. A Study of Speech Acts in a Selection of Contemporary Persian Plays: University of Isfahan; 2007.
22. Pahlavannezhad MR, Estehbanati L. A Study of Speech Acts in the UN Speeches of Iranian and American Presidents (2006). *Journal of Foreign Language Research*. 2008;51(268):1-22.
23. Shakurzadeh Bolouri I. Ten Thousand Persian Proverbs and Twenty-Five Thousand Equivalents. 1st ed. Mashhad: Astan Quds Razavi; 2010.
24. Dekhoda AA. Proverbs and Mottos (Amthal o Hikam). 14th ed. Tehran: Amirkabir; 2007.